

گسترش جهانی آین



جستاری چند در فرهنگ ایران: مقاله ششم

مهرداد بهار

چاپ دوم، انتشارات اسطوره و پژوهشکده مردمشناسی

در میان نبوده است یعنی اعصار پیش از تاریخ. استاد بهار نخستین دسته از ارتباط آین مهری با ورزش باستانی را در شکل معماري معابد مهری با بناهای زورخانه‌ای در ایران می‌داند. او می‌نویسد: مراسم مهری عموماً در غارها انجام می‌گرفت. در نزدیک یا در داخل این معابد طبیعی که مظاهر طاق آسمان و پنهانی زمین بود، می‌بایست آبی روان وجود می‌داشت، اما در شهرها یا جلگه‌ها که غاری نبود، این معبد را شبیه غارها، در زیرزمین بنای کردند. معبد به وسیله‌ی پلکانی طولانی به سطح زمین می‌رسید. این معابد پنجره نداشتند و از نور خارج بهره‌ای نمی‌بردند. گاه پلکان به اتفاق ختم می‌شد که در آن پیروان خود را برای اجرای مراسم آماده می‌ساختند و سپس از آن جا به محوطه‌ی اصلی معبد وارد می‌شدند. طاق معبد را چون آسمان شب می‌آراستند. در داخل معبد در دو سو دو ردیف سکو قرار داشت و در میان دو ردیف سکو، صحن مستطیل و گود معبد قرار گرفته بود که مراسم در آن انجام می‌یافت و تماشگران بر نیمکت‌هایی که کنار سکوها، پای دیوار بود به تماشای این مراسم می‌نشستند. در آخر صحن، در محرابی، منظره‌ای از مهر در حال کشتن گاو دیده می‌شد. در کنار در ورودی ظرفی

استاد بهار مقاله‌ی «ورزش باستانی ایران و ریشه‌های تاریخی آن» را برای اولین بار در شماره‌ی دهم مجله‌ی «فرهنگ و زندگی» به تاریخ ۱۳۵۱ به چاپ رسانده است؛ اما آنچه در این گزارش پیش رو بوده است، مقاله‌ی ششم از کتاب «جستاری چند در فرهنگ ایران» است که نسخه‌ی بازبینی شده و پیراسته‌ی آن مقاله است. استاد بهار در این مقاله بنا به گفته‌ی خود دست به بازساختن تاریخ برای اثبات مشترک آین مهری و آین زورخانه زده و این بازسازی را چنان متفکرانه انجام داده که در پژوهش‌های دیگران، خود مورد استناد قرار گرفته است.

استاد بهار موضوع را از طرح پرسش درباره‌ی واژه‌ی «باستانی» و کاربرد آن آغاز می‌کند و این که اساساً چگونه می‌شود که نام این ورزش، «ورزش باستانی ایران» باشد. (با توجه به اینکه عبارت «باستانی» به تهایی نیزگاه برای نامیدن این ورزش به کار می‌رود.)

وی می‌گوید: ریشه و بنیان هیچ امر سنتی را نباید در دوران تاریخی تمدن ملل جست و جو کرد؛ زیرا عموماً آنچه به سنت مردمان اعصار جدیدتر رسیده است؛ همه به اعصاری مربوط است که هنوز خط و کتابی



зорخانه است.

استاد بهار می‌نویسد: بنا به افسانه‌های رومی درباره‌ی مهر، ایزد مهر، پس از زاده شدن، بر آن شد تا نیروی خود را بستجد. بدین روی نخست با ایزد خورشید زورآمایی کرد و کشتی گرفت. در این کشتی گرفتن، خورشید تاب نیروی مهر را نیاورد و بر زمین افتاد. سپس مهر او را یاری داد تا برخیزد. آن گاه دست راست خویش را به سوی خورشید دراز کرد. دو ایزد با یکدیگر دست دادند و این نشانه‌ی بیعت خورشید با مهر بود. سپس مهر تاجی بر سر خورشید نهاد و از آن پس آن دو، باران و فادر یکدیگر ماندند (پرتو بیضایی، ص ۳۲)

در کار زورخانه نیز نکته‌ی اصلی کشتی گرفتن است و چون پهلوانی فرو افت دقتاً همان آداب دست دادن را دو پهلوان به جا می‌آورند و با دستهای چپ بازوهای راست هم را می‌گیرند و با دستهای راست به یکدیگر دست می‌دهند و همان گونه که مهر و خورشید با هم پیمان دوستی بستند، دو کشتی‌گیر نیز هرگز با یکدیگر دشمنی نمی‌ورزند و اگر کینه‌ای پدید آید، باید یکدیگر را ببوسند و آشتبانند. از دیگر شباهت‌ها سنت «برهنگی» است.

بهار می‌نویسد: پهلوان در گود مانند «مهر» به هنگام زایش جامه‌ای برتن ندارد و تنها بر میان خود لنگی یا تنکه‌ای دارد که می‌تواند برابر برگ انجیر مهر رومی باشد. برهنگی از مراسم حتمی گود است. به علت این برهنگی در منابع بسیار اشاره شده است. در تاریخ سیستان آمده که عیاران در هنگام جنگ برهنگه می‌شدند و از فرار ننگ داشتند. نکته‌ی بسیار جالب دیگری که استاد بهار به آن اشاره می‌کند یافته

پایه‌دار برای آب تبرک شده قرار داشت و در طرف مقابل، در پای تصویر مهر، دو آتشدان و بر دیوارهای معبد اغلب تصویرهای بسیار نقش شده بود. نکته‌ی عمومی درباره‌ی همه‌ی این معابد کوچکی آن‌ها بود (به طوری که در این معابد جز گروه معبدی جای نمی‌گرفت، ص ۱۶۴)

استاد بهار برای ارائه‌ی نمونه‌هایی برای این مشابهت از دو زورخانه‌ی قدیمی شهر کاشان یکی در محله‌ی میدان کنه و دیگری در محله‌ی پشت مشهد کاشان نام می‌برد.

وی می‌نویسد: زورخانه‌ی ما شباهت بسیار با معابد مهری دارند.

зорخانه‌ها همیشه با پلکانی طولانی از زیرزمین به سطح خیابان می‌رسند و در زیرزمین قرار دارند و معمولاً در زیر بناهای دیگر این زورخانه‌های کنه نوری اندک دارند. دو زورخانه‌ی قدیمی شهر کاشان، یکی در زیر بنای حسینه‌ی آن محله قرار دارد که در یک طرف آن آب انبار عمومی است و دیگری که مدخل آن در راه پله‌ی آب انبار عمومی قرار دارد. در ملایر هم زورخانه‌ای را که بر مسیر قنات ساخته شده بود، خراب و در مقابل برای ساختن زورخانه تازه در مسیر همان قنات، نقطه‌ی تازه‌ای را انتخاب کردند و به بنای زورخانه‌ی تازه پرداختند.

در زورخانه درست مانند معابد مهری، در کنار سکو، در پای دیوار، نیکمترها قرار دارند که تماشاگران بر آن‌ها می‌نشینند و به مراسم نگاه می‌کنند.

در کنار در ورودی زورخانه مانند معابد مهری، آبدانی وجود دارد که البته امروزه مورد استعمال اصلی خود را از دست داده است. به جای آتشدان‌ها هم که در معابد مهری در انتهای صحنه و دو سوی تصویر مهر قرار دارد، در زورخانه در جلو «سردم» ا Jacquی است که امروزه از آن برای گرم کردن ضرب و تهیه نوشیدنی گرم استفاده می‌شود.

зорخانه، دری کوتاه داشت طوری که افراد برای ورود به آن مجبور شوند برای تواضع خم گردند. این در با پله‌هایی نسبتاً طولانی به سوی پایین به اتفاقی شش ضلعی یا هشت ضلعی ختم می‌شود که میان آن گود است و به «گود زورخانه» شهرت دارد. این گود برای ورزشکاران زورخانه قدادست دارد و جایگاه خاص کشتی گرفتن و دیگر ورزش‌های پهلوانی است. در گوششی گردگرد گود سکویی برای تماشای ورزش تعییه شده است. در گوششی زورخانه جایگاه خاص «مرشد»، سکویی است که «سردم» نام دارد و آن را معمولاً با ابزارهای رزمی و پوست آرایش می‌کنند. سردم برای اهل زورخانه مقدس است و کسی جز مرشد اجازه ندارد که در آن بشینند. در جلوی سردم بالای سر مرشد زنگ آویزان است که مرشد به مناسبت‌های خاص با دست خود آن را به صدا در می‌آورد. (افشاری، ۱۳۸۶، ص ۴۶)

نکته‌ی جالب دیگر آنکه همان گونه که بر دیوارهای معابد مهری نقش‌هایی مقدس بود، در زورخانه‌ها نیز تصاویر و نقش‌هایی از رستم و دیگر پهلوانان وجود دارد و نکته‌ی همانند دیگر کوچکی زورخانه‌هاست که تنها می‌توانند گروه کوچکی را در خود جای دهند. (ص ۱۶۵)

دسته‌ی دوم این شباهت‌ها سیر ارتباط میان آیین رومی مهر و آیین

خراسانی در زمان ناصرالدین شاه سحرگاهان به زورخانه می‌رفتند و پیش از نماز صبح از آنجا بیرون می‌آمدند و دیگر آنکه در سنت نیز وظیفه پهلوان، دفاع از ناتوان، از میان بردن زورگویان و حمایت از پرهیزگاران است. او باید رحیم، بخشندۀ و یاری رسان باشد.

استاد بهار به بند ۵ مهریشت اشاره می‌کند که در آن‌جا آمده است: باشد که او برای یاری ما آید. باشد که او برای گشاش کار ما آید، باشد که او برای دستگیری ما آید. باشد که او برای دلسوزی ما آید. باشد که او برای چاره‌ی کار ما آید. باشد که او برای پیروزی ما آید. باشد که او برای دادگری ما آید.

بنا به سنت، یک پهلوان چون دلاوری بی‌پاک است که هرگز هراسی به دل راه نمی‌دهد و یک تنه بر صفت دشمنان می‌زند و ایشان را زمیان برمی‌دارد. مهر نیز در میان موجودات توانترین است (بند ۶) خوش‌اندام، بلندبالا و نیرومند است (بند ۷) بی‌جنگار و قوی بازروست. (بند ۲۵) کسی است که در جنگ پایدار می‌ماند (بند ۳۶) قوی‌ترین خدایان، نیرومندترین خدایان، چالاک‌ترین خدایان، تیزترین خدایان و پیروزمندترین خدایان است (بن ۹۸)

در اینجا ذکر این موضوع لازم است که با این اوصاف بهار این احتمال را طرح می‌کند که ساخت و آداب مخصوص معابد مهری روم باستان ریشه در ایران باستان داشته باشد که در ایران تا زمان ما هم به صورت آداب زورخانه باقی مانده است.

و دیگر نکته‌ای که زنده یاد بهار به آن اشاره می‌کند و بسیار حائز اهمیت است موضوع پهلوان‌حماسی و پهلوانان عیاری و جوانمردی است. گفته‌ی بهار افسانه‌های کهن پهلوانی که به پارسی بازمانده بر دو دسته است: یکی افسانه‌های پهلوانی - حemasی و دوم افسانه‌های جوانمردی و عیاری. اولی مانند آنچه در اوستا و شاهنامه بازمانده و دومی مانند سمک عیار که کهن‌ترین اثر مکتوب این دسته است.

او می‌نویسد: تحلیل شخصیت‌های پهلوانی اوستایی و شاهنامه‌ای نشان می‌دهد که بسیاری از خصوصیات این پهلوان‌ها چون رستم، خصوصیات «ایندره» یکی از خدایان کهن هندواریانی است. اما میان این پهلوانان حemasی و ایندره با پهلوانان عصر عیاری شباهتی موجود نیست. از خصوصیات پهلوانان عصر عیاری و جوانمردی می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- تعلق به طبقات متوسط شهری
- داشتن رفتارها و اعتقادات اخلاقی، عارفانه و نبرد برای برادری، برابری، عدل

در اصل پهلوانان حemasی در راه سرزمین دست به نبرد می‌زنند و پهلوان عیاری در راه مردم و با تمام اینها و با وجود این تفاوت اما آن‌گونه که زنده یاد انصاف‌پور نگاشته است: رفتن رستم به دز تورانیان برای دیدن شهراب، به عیاری رفتن گیو دلاور به توران زمین به جست و جوی کیخسرو، یا رفتن رستم با جامه‌ی بازرگانان برای رهایی بیژن از چاه و به عیاری رفتن اسفندیار به رویین دز و بالاخره داستان «اردشیر و کرم هفتاد» در بخش تاریخی شاهنامه و... می‌توان به یاری این همه به نوعی با شیوه‌هایی که در این حرفة پهلوانی به کار بسته می‌شود، آشنا شد.

افسانه‌های عیاری و سنت‌ها و آداب پهلوانی در آثار دوره‌ی اسلامی

شدن زنگ در معابد مهری است که پژوهشگران گمان می‌کنند آن را هنگام نشان دادن تصویر مهر در پایان یا در آغاز مراسم به صدا می‌آورده‌اند. بهار در ادامه می‌نویسد که اگر تصور ما در ارتباط آین زورخانه با معابد مهری درست باشد، این زنگ را در معابد مهری به هنگام ورود بزرگان دین به آواز در می‌آورده‌اند. از دیگر شباهت‌های این دو وجود قم، دشنیه یا چاقو در میان ورزشکاران زورخانه‌ای با دشنایی است که مهر به هنگام زدن با خود داشت.

در زورخانه نیز چون مراتب هفتگانه‌ی پیروان آین مهر مراتبی وجود دارد که از این قرار است: کهنه سوار، مرشد پیش‌کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج و نوچه.

در آداب زورخانه وقتی پهلوانی به مقام استادی رسید از طرف پیشوایان به این افتخار دست پیدا می‌کند که تاج فقر بر سر بگذارد. این مراسم در آین مهری نیز وجود دارد.



در آین مهری رومی، پیروان مهر را با روحیه‌ای جنگی تربیت می‌کردند. در زورخانه نیز به صورت نمادین آداب نبرد آموخته می‌شود و دیگر آنکه کسانی که به سن بلوغ رسیده‌اند در زورخانه نیز مانند آین مهر، تنها حق تشرف دارند.

دسته سوم ارتباط، شباهت میان مهر ایرانی، مهر رومی و شخصیت پهلوان است.

مهر ایرانی در مهر بیشت اوستایی دشمن دروغ است (بند ۲۶) از کلام راستین آگاه است (بند ۴۹) نماینده‌ی گفتار، کردار و پندار نیک است (بند ۱۰۶) مهر نخستین، ایزدی است که پیش از خورشید در بالای کوه هرا برمی‌آید و حامی پیمان است (بند ۳) او زورمندی بی‌خواب است (بند ۷) درباره‌ی این ارتباط جالب است که بدانیم گزنهون و استرباون به سحرخیزی جوانان ایرانی و اجرای مراسم ورزش در زمان هخامنشیان پیش از طلوع آفتاب اشاره کرده‌اند و ورزشکاران باستانی کار نیز تا پیش از پهلوان اکبر



**بسکتبال برای بازیکنان جوان -
توصیه‌هایی برای مریبیان
خوزه ماریا بوسته، ماریتز بوموندویی،
الکساندر آواکوموویچ، لازلو کیلیک
ترجمه‌ی صفاعلی کمالیان
طرح نقش خیال، ۱۳۸۶**

فرداسیون بین‌المللی بسکتبال (فیبا) با ۲۱۳ فدارسیون ملی وابسته و طبیعتاً هزاران ورزشکار در این رشته، مسؤولیت مهمی را بر دوش این فدارسیون گذاشته است. فیبا با توجه به اهمیت ویژه بسکتبال در رشد جوانان و نقش عمده‌ی مریبیان، با همکاری انجمن مریبیان بستکبال اروپا، طرح مریبیان جوان ۲۰۰۰ را برای آموزش مریبیان برنامه‌ریزی کرد تا مسؤولیت‌های لازم را بر عهده گیرند و مفاهیم و تدابیری را بیاموزند که به آنها امکان انجام وظیفه را بدهد. همین امر باعث شد متخصصان مختلف انتخاب شده توسط فدارسیون بین‌المللی بسکتبال، با تشکیل گروه کاری به آماده‌سازی کتاب حاضر پردازنند. این کتاب وسیله‌ای مهم و قدرتمند برای تمامی دوره‌های مریبیگری بستکبال است که زیر نظر فیبا، همبستگی المپیک یا فدارسیون‌های ملی تشکیل می‌شوند.

هدف کتاب بزرگنمایی قالب‌ها و چارچوب‌های ویژه کودکان و نوجوانان برای همه‌ی مریبیان است، البته با تأکید بر نکات روش‌شناختی و موضوعاتی که از مینی بسکتبال تا رده جوانان باید در اولویت قرار داشته باشند. کتاب تمامی تکنیک‌های کاری بازیکنان از مبتدی (مینی بسکتبال) تا جوانان (بازیکنان ۱۸ ساله) را تحت پوشش قرار می‌دهد.

«بسکتبال برای بازیکنان جوان» تاکنون به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، روسی، عربی و چینی... و اکنون هم به فارسی ترجمه شده است که می‌تواند به گونه‌ای شایسته در تقویت روش شناختی کار خود با بازیکنان جوان استفاده شود.

کتاب حاضر ۵ فصل نخست از کتاب اصلی چاپ شده توسط فیبا را دربر می‌گیرد که چگونگی و اهداف تهیه‌ی آن در پیش‌گفتار و مقدمه ارائه شده است.

کتاب یکی از کامل‌ترین مجموعه‌ها در زمینه‌ی آموزش مینی بسکتبال و بسکتبال به افراد زیر ۱۸ سال است که در آن مطالب به خوبی توضیح داده شده‌اند. چون این ۵ فصل در مقایسه با سه فصل بعدی، بیشتر بخش‌های عمومی را دربر می‌گیرد، مریبیان دیگر رشته‌های ورزشی، به ویژه رشته‌های گروهی، والدین و معلمان مدارس نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. این کتاب به دست‌اندرکاران تیم‌های بسکتبال در همه‌ی رده‌ی سنی نیز توصیه می‌شود. واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب ارائه شده است. امید است مجلد دوم این کتاب نیز به زودی منتشر شود.

و عیاری، منشأ واحدی دارند. دلیری، پارسایی، مهر و زیدن، بر سر قول ایستاندن، شکیبا بودن و به شب بیدار ماندن و مردمان را پاسیانی کردن از خصوصیات مشترک پهلوانی و عیاری است. در کتاب سمک عیار نیز پهلوان و عیار یکی دانسته شده‌اند مثلاً یک بار دو دلور در جایی پهلوان خوانده می‌شوند و در جای دیگر همان دو عیار شمرده می‌شوند. در مورد دیگر «قایم عیار» در میدان در جای دیگر روز افزون که زنی عیار است به میدان می‌رود و پهلوانی می‌کند و بارها عیاران دیگر و از جمله سمک در میدان پهلوانی می‌کنند و پهلوان خوانده می‌شوند. از نظر طبقاتی نیز عیاران دوره‌ی اسلامی غالباً متعلق به قشر تولیدکنندگان شهری اند و اغلب با نام خود نام صنف خویش را نیز به همراه دارند. جالب توجه است که این کیفیت متعلق به قشر تولیدکنندگان و صاحبان پیشه شهری در میان صوفیان هم دیده می‌شود و اگر توجه کنیم که صوفیان، عیاران و پهلوانان همه از جوانمردان اند شاید بتوان گفت که فتوت نهضتی است متعلق به اصناف و پیشه‌وران شهری که در آن از اشراف یا روستاییان تنها گروهی انتگشت‌شمار دیده می‌شوند.

این دلاران جوانمرد در زندگی خود به دنبال شاه دادگر می‌گشند تا به یاری او جهان را از پلیدی آزاد سازند. بهار بر اساس کتاب سمک عیار این کهن‌ترین اثر عیاری و پهلوانی به این نتیجه می‌رسد که آینین جوانمردی و در نتیجه عیاری - پهلوانی سنتی است اجتماعی و بسیار کهن.

بهار دلایلی را که به وسیله‌ی آنها نتیجه می‌گیرد که داستان سمک عیار اثری اسلامی نیست و محتملاً اشکانی است، این طور بیان می‌کند:

- وجود نامهای غیراسلامی

- ساخت کاملاً ملوک الطوایفی جامعه

- نبودن مسجد - وجود لعب همگانی و بی‌حساب در سراسر کتاب که با سنت‌های مقدس اسلامی در تضاد کامل قرار دارد

- آغاز ذکر شاهان ایران با کیومرث و به سر رسیدن ذکر شاهان با اسکندر

- دفن کردن مردگان با تابوت یا در دخمه نهادن آنها

- ازدواج با محارم

- سوگند خوردن به نور، نار، مهر

در ارتباط آینین عیاری - پهلوانی با آینین جوانمردی دوران اشکانی و پیوندی تاریخی و فکری وجود دارد. دو نکته‌ی جالب توجهی که او به آن اشاره می‌کند، گسترش جهانی آینین مهر از دوره‌ی اشکانی و از ایران به روم است، به خصوص این که بنا به روایات تاریخی، دین مهر توسط دزدان دریایی آسیای صغیر به روم راه یافت و این ما را به یاد دزدان و راهزنان دریایی می‌اندازد.

منابع:

- ۱- افشاری، مهران. آینین جوانمردی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲- انصافپور، غلامرضا. تاریخ و فرهنگ زورخانه، تمدن، مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳.
- ۳- پرتو بیضایی کاشان، حسین. تاریخ ورزش باستان ایران، تهران، چایخانه حیدری، ۱۳۳۷.